



حزب جمهوری اسلامی ایران

«از تاسیس تا انحلال»

(حزب جمهوری اسلامی ایران، حزبی ویژه و خاص در عرصه سیاسی ایران)

حزب همدلی مردم تهران (همت)

گردآورنده: مهسا جمشیدی

رئیس سازمان بانوان حزب همت



فهرست :

۳	پیشگفتار
۵	مقدمه
۷	سید محمد حسینی بهشتی اولین دبیرکل حزب
۷	نحوه تأسیس حزب جمهوری اسلامی
۹	فلسفه تشکیل حزب
۱۰	تاریخچه
۱۲	اساسنامه حزب جمهوری اسلامی
۱۳	• اصول خط مشی حزب
۱۴	مواضع حزب
۱۵	اهداف تأسیس
۱۶	عضویت دو میلیون نفر در حزب
۱۷	فعالیت‌های حزب
۱۹	نشریات رسمی
۲۱	بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی

- شرح ماجرای انفجار بمب ۲۳
- انفجار به گفته یکی از نجات یافتگان ۲۵
- فاجعه هفتم تیر از نگاه دیگر ۲۶
- علل فاجعه هفتم تیر ۲۸
- هفتم تیرماه یادآور واقعه ای تلخ، علیه نظام اجتماعی و سیاسی ایران ۲۹
- نام‌های کشته‌شدگان بمب‌گذاری ۳۰
- مشکلات حزب ۳۳
- دلایل تعطیلی ۳۷
- تعطیلی حزب جمهوری اسلامی ۳۸
- نامه اکبر هاشمی رفسنجانی و سیدعلی خامنه‌ای به رهبر ۳۸
- پاسخ بنیانگذار جمهوری اسلامی به نامه مشترک رهبران حزب جمهوری اسلامی ۴۱
- منابع ۴۳

پیشگفتار:



« قبل از پیروزی انقلاب، پایه‌های حزب جمهوری اسلامی که بسیار فعال بود را خود ما ریختیم؛ اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم، امام هم تأیید کردند، چند سال هم با جدیت مشغول بودیم...»

(بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴)

قصد داریم تا با بررسی احزاب و گروه‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب سلسله پژوهش‌های حزب همدلی مردم تهران را هرچه غنی‌تر نماییم.

پس از انقلاب اسلامی یکی از تشکل‌های بسیار تاثیر گذار در فضای سیاسی کشور حزب جمهوری اسلامی ایران بود که تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت، شورای مرکزی کاملاً سیاسی و تشکیلاتی این حزب یکی از دلایل سرعت انتشار ساختار تشکیلات بود که در سراسر ایران گسترش یافت و تمام انقلابیون بنوعی در آن حضور یافتند.

شهید بهشتی به عنوان اولین دبیر کل حزب جمهوری اسلامی ایران با کاریزمای ویژه خود نقش بسزائی در تحول این حزب داشت، مبارزات انقلابی ۱۵ ساله برخی از اعضای حزب که از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود و رمز موفقیت آن دوران

مبارزه کار تشکیلاتی ، تئوریک و آموزش گروه های مختلف مبارز بود دست مایه اصلی تشکیلات حزب جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت .

جلسات منظم شورای مرکزی ، کمیته های مختلف حزب و از همه مهمتر کمیته آموزش حزب کار مهمی در کادر سازی سریع در کشور تازه انقلاب شده را ایفا نمود .

شاید یکی از اتفاقات مرموز در این حزب نوع انحلال آن بود که بخش بزرگی از نسل های پس از انقلاب از آن اطلاع ندارند ، این پژوهش سعی می کند تا به تمامی سوالات علاقه مندان و به خصوص جوان ها در این حوزه پاسخ دهد .

سید احمد نبوی

دبیر کل حزب همدلی مردم تهران

(همت)

مقدمه :



حزب جمهوری اسلامی یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کرد.

بنیان گذاران آن روحانیونی چون محمد حسینی

بهشتی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه‌ای و محمد جواد باهنر بودند. پنج تن یادشده به همراه حسن آیت، اسدالله بادامچیان، عبدالله جاسبی، میرحسین موسوی، مهدی کروبی، حبیب‌الله عسگرولادی، سید محمود کاشانی (فرزند آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی)، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی اولیه حزب جمهوری اسلامی بودند.

وجود تشکیلات سیاسی فراگیر و کارآمد بعد از پیروزی انقلاب و دچار نشدن انقلاب به سرنوشت نهضت مشروطه فلسفه تأسیس حزب جمهوری اسلامی بود. حزب در جهت نیل به مقاصد خود فعالیت‌های گسترده‌ای کرد و به موفقیت‌های مهمی نایل آمد اما بر اثر عواملی از جمله اختلاف اعضای شورای مرکزی و اشتغال رهبران حزب در اداره امور مهم کشور با موافقت امام خمینی در سال ۱۳۶۶ تعطیل شد.



دبیران کل این حزب :

۱. محمد حسینی بهشتی (۶۰-۵۷)

۲. محمد جواد باهنر (۶۰)

۳. سید علی خامنه‌ای (۶۶-۶۰)

بنیان گذاری سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)

انحلال و برچینش سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷)

روزنامه این حزب روزنامه جمهوری اسلامی بوده است. روزنامه جمهوری اسلامی به مدیر مسئولی مسیح مهاجری، روزنامه رسمی این حزب بود که پس از انحلال حزب نیز به فعالیتش ادامه می‌دهد. اولین مدیر مسئول این روزنامه سید علی خامنه‌ای بود. و در حال حاضر روزنامه‌ای اصولگرا به‌شمار می‌رود.

سید محمد حسینی بهشتی اولین دبیرکل حزب:



سید محمد حسینی بهشتی (تولد: ۲ آبان ۱۳۰۷ در اصفهان - شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰ در تهران) سیاستمدار و فقیه ایرانی و اولین رئیس دیوان عالی کشور پس از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، اولین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی بود.

"سید محمد حسینی بهشتی" که نقش بسزایی در پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران در سال ۱۳۵۷ داشت، در سال ۱۳۰۷ در خانواده ای روحانی در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از طی تحصیلات مرسوم، وارد حوزه علمیه اصفهان شد. سپس، در سال ۱۳۲۵ راهی حوزه قم شد و از محضر استادانی چون امام خمینی (ره)، آیت الله طباطبایی، آیت الله حائری یزدی و آیت الله بروجردی کسب فیض کرد.

محمد بهشتی در هفتم تیر ۱۳۶۰ و در پی انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی که توسط سازمان مجاهدین خلق سازماندهی شده بود، ترور گردید.

نحوه تأسیس حزب جمهوری اسلامی :



حزب جمهوری اسلامی، یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۹ رسماً موجودیت خود را اعلام کرد. در آن روزها بحث بر سر این بود که

مؤسسين از سه گروه «روحانی»، «تحصیل کرده و دانشگاهی» و «کسبه و بازاری» انتخاب و موجودیت حزب را رسماً اعلام کنند. اما از آنجا که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب هنوز چهره ها کاملاً شناخته شده نبودند و توقعات و ادعاهای بسیاری از افراد سرشناس ممکن بود، مشکلاتی پدید آورد، لذا تصمیم گرفته شد که پنج نفر از روحانیون شناخته شده که مورد تأیید امام و همه اقشار ملت بود، هیأت مؤسس باشند و تأسیس حزب جمهوری اسلامی را رسماً اعلام کنند. بدین ترتیب آیت الله بهشتی، آیت الله خامنه ای، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، حجة الاسلام باهنر، و آیت الله موسوی اردبیلی به عنوان هیأت مؤسس، تأسیس حزب جمهوری اسلامی را به طور رسمی اعلام کردند.

فلسفه تشکیل حزب :



ضرورت ایجاد تشکیلات و به وجود آوردن نوعی هماهنگی درونی میان نیروهای سیاسی و مبارز مذهبی، از اموری بود که بعد از شهریور ۱۳۲۰ و خصوصاً بعد از کودتای ۲۸ مرداد، ذهن بعضی از فعالان سیاسی متدین را به خود مشغول کرده بود. مؤسسان حزب با تحلیل اوضاع خاص تاریخی و سیاسی کشور، دریافته بودند که پس از پیروزی انقلاب با قرارگرفتن بار سنگین اداره کشور بر دوش انقلابیان، آن هم بر اساس موازین و آرمان‌های انقلاب اسلامی، وجود یک تشکیلات سیاسی فراگیر و کارآمد، امری حیاتی است و گرنه انقلاب اسلامی نیز به سرنوشت نهضت مشروطه و موارد مشابه دچار خواهد شد.

تاریخچه :



اندیشه حزبی در میان تنی چند از روحانیان که از ۱۳۴۱ با نهضت امام خمینی همفکر و همراه بودند، از ۱۳۵۶، که اوضاع سیاسی ایران به سرعت در حال تحول بود، قوت گرفت. در پی دستگیری و تبعید بعضی از افراد مؤثر در این امر، از قبیل سیدعلی خامنه‌ای و با تشدید فشارها، پیگیری این موضوع به مدت یک سال متوقف شد.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ و پس از بازگشت و آزادی فعالان سیاسی مذهبی از تبعید و زندان، ضرورت ایجاد تشکیلاتی منسجم در قالب یک «حزب» بیشتر احساس شد و امکان همفکری و همکاری برای چنین کاری نیز فراهم گشت. چنین بود که در پاییز و زمستان ۱۳۵۷، همان چهره‌های روحانی که این اندیشه را از قبل در سر داشتند و با امام خمینی نیز در ارتباط بودند در کنار فعالیت‌های دیگری که در ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهده داشتند، اندیشه تأسیس حزب را نیز دنبال کردند. همزمان با بازگشت امام خمینی از پاریس به تهران، در فاصله دوازدهم تا بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷، آرزوی چند ده ساله و نتیجه همفکری‌های یکی دو ساله خود را در قالب اساسنامه و مرامنامه حزبی به نام «حزب جمهوری اسلامی» به ظهور رساندند. امام خمینی عملکرد منفی و ناموفقی از احزاب را در ایران دیده

بود و نظر مساعدی نیز نسبت به تحزب نداشت، با این حال ایشان به فاصله چند روز پس از فروپاشی حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، خبر تأسیس حزب جمهوری اسلامی را به مردم اعلام کرد.

آنان همزمان با تأسیس حزب، در شورای انقلاب نیز عضویت داشتند و اکثر رهبران اصلی حزب همانند آیت الله بهشتی، آیت الله خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری عضو جامعه روحانیت مبارز تهران هم بودند.

اعلامیه تأسیس حزب را سیدعلی خامنه‌ای نوشت و نخستین جلسه شورای مرکزی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ در محل کانون توحید در تهران تشکیل شد. شورا سی تن عضو داشت که افزون بر مؤسسان، ۲۵ تن دیگر غالب شخصیت‌های فعال در انقلاب، از روحانی و بازاری و دانشگاهی، بودند. سیدمحمد بهشتی نیز به عنوان نخستین دبیر کل حزب انتخاب شد.

اساسنامه حزب جمهوری اسلامی :



حزب جمهوری اسلامی مهم‌ترین حزب در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. شماری از شخصیت‌های علمی، مذهبی و سیاسی ایران که در پیروزی انقلاب نقش داشتند و از یاران امام خمینی بودند، این حزب به خاطر حسن شهرت مؤسسان روحانی آن، به شدت از سوی جامعه انقلابی ایران مورد استقبال قرار گرفت.

مرامنامه و اساسنامه حزب جمهوری اسلامی پس از تأسیس حزب، اعلام و بعداً در نخستین کنگره حزب با تغییرات کمی به تصویب رسید. در مرامنامه حزب، هدف حزب جمهوری اسلامی این گونه بیان شده بود: «هدف حزب تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران و تلاش جهت استقرار نظام عدل اسلامی در سراسر جهان تحت رهبری ولی فقیه در زمینه های معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است».

اساسنامه حزب که مشتمل بر ۴۴ ماده و پنج تبصره بود، در نخستین کنگره حزب به تصویب رسید. ارکان حزب مشتمل بود بر عضو، حوزه، واحد آمادگی، شورای بخش و شهرستان و استان، هیات اجرایی، شورای مرکزی، شورای داور، شورای ایدئولوژی، شورای افتا و کنگره (عالیترین مرجع حزب). شورای مرکزی مسئولیت برنامه‌ریزی حزب را برعهده داشت. وظیفه شورای

ایدئولوژی و افتا، نظارت بر مشی حزب و بررسی و تصمیم‌گیری درباره مصوبات شورای مرکزی بود. کنگره، تصویب و ایجاد هر گونه تغییر در اساسنامه، انتخاب اعضای شورای مرکزی و شورای داور، و بررسی عملکرد حزب را برعهده داشت.

اصول خط مشی حزب هم شامل موارد زیر بود:

- ۱- تأکید بر تداوم و گسترش انقلاب اسلامی و جلوگیری از هر نوع تحجر، توقف و رکود که برحسب تجربه تاریخی خود به خود عامل ارتجاع و انحراف خواهد شد.
- ۲- التزام به همبستگی روزافزون همه نیروهای مبارز مسلمان معتقد به ولایت فقیه که در راه استقرار نظام حق و عدل اسلامی علیه استبداد و استعمار و استثمار تلاش می‌کنند و جلوگیری از محدود شدن تداوم مبارزه و تلاشهای سازنده در یک گروه یا قشر معین.
- ۳- خودداری از هر نوع وابستگی و گرایش به گروهها و نیروهائی که پیوند با آنان به استقلال و اصالت اسلامی انقلاب آسیب می‌رساند.
- ۴- استفاده از همه شیوه‌های مبارزه و سازندگی که با معیارهای اسلامی سازگار باشد، بابه‌ره گیری کامل از آخرین تجربه‌های مبارزاتی و سازندگی جوامع بشری و رعایت ضرورتهای هریک از مراحل تکامل انقلاب اسلامی جامعه ما.

مواضع حزب :



محورهای اصلی مواضع حزب درباره جهان بینی، ساخت جامعه و برنامه های فرهنگی هنری، اداره کشور، سیاست اقتصادی و سیاست خارجی به طور مشروح در بیانیه ها و مصاحبه های مؤسسان و اعضای اصلی حزب تبیین شده بود.

عقاید این حزب در سیاست خارجی چنین بود:

- اعتقاد به اصل «نه شرقی، نه غربی»؛
- ایجاد مناسبات برادرانه با همه مسلمانان جهان؛
- قطع هر نوع پیوند اقتصادی که موجب سلطه قدرت های بزرگ بر کشور می شود؛
- افشای توطئه های قدرتهای بزرگ سلطه جو، به ویژه حکومت آمریکا؛
- کمک به نهضت های آزادی بخش یکی از وظایف دولت اسلامی محسوب می شود.

اهداف تأسیس :



بنیانگذاران حزب جمهوری اسلامی بارها اعلام کردند که هدف از تأسیس حزب ورود در میدان جنگ قدرت و بیرون کردن رقبای سیاسی از صحنه نیست، بلکه غرض:

- انتقال تفکرات صحیح دینی؛
- تحلیل‌های درست سیاسی به اعماق جامعه؛
- تبیین انقلاب و تشریح چگونگی ایجاد یک نظام اسلامی؛
- استمرار بخشیدن شور مبارزه در میان مردم و حفظ وحدت آنان؛
- آموزش دادن این مفاهیم به جوانان؛
- تشویق جوانان به انضباط حزبی و آماده ساختن آن‌ها برای حضور در عرصه‌های مختلف مدیریت کشور

عضویت دو میلیون نفر در حزب :



با اعلام تأسیس حزب، تقاضا برای عضویت در آن در سراسر کشور به راه افتاد، تا بدان حد که شمار متقاضیان در کل کشور اندک زمانی از دو میلیون نفر و در تهران از چهارصد هزار نفر افزون تر شد. هم‌زمان، تقاضا برای گشودن دفاتر حزب در شهرستان‌ها نیز بالا گرفت.

فعالیت‌های حزب :



در دو، سه سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسؤولان و مدیران حزب کار دشواری برعهده داشتند. آنان ناگزیر بودند از یک سو به تحکیم پایه‌های حزب و

تدوین دیدگاه‌ها و تنظیم برنامه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و توسعه کمی حزب بپردازند و از سوی دیگر توده‌های مردم را براساس مبانی مورد نظر امام خمینی و در مسیر همکاری با حکومت پدید آمده از انقلاب هدایت و سازماندهی کنند. در این سال‌ها، حزب در جهت نیل به مقاصد خود فعالیت‌های گسترده‌ای کرد و به موفقیت‌های مهمی نایل آمد. از جمله:

- کمک به برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی در دهم فروردین ۱۳۵۸؛
- معرفی نامزدهای واجد صلاحیت به مردم در انتخابات مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی با تأکید بر اصل یکصد و دهم آن (ولایت فقیه، اختیارات و مسؤولیت‌های ولی فقیه)؛
- کمک به برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی؛
- شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی؛
- مقابله با ضد انقلاب و شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی.

• حزب همچنین با توجه به وضع خاص تاریخی کشور، خدمات

عمرانی نیز داشت؛ از جمله:

✓ تأسیس کتابخانه؛

✓ راهاندازی کارخانه؛

✓ خانه‌سازی؛

✎ لوله‌کشی آب در روستاها و مناطق محروم.

نشریات رسمی :



حزب جمهوری اسلامی پس از تشکیل، در صدد انتشار نشریه‌ای به عنوان ترجمان رسمی خود برآمد. امتیاز روزنامه به نام سیدعلی خامنه‌ای ثبت شد و شماره نخست آن در ۹ خرداد ۱۳۵۸ با نام روزنامه جمهوری اسلامی منتشر گردید. میرحسین موسوی، مدیرمسئول و سردبیر آن، در سر مقاله افتتاحی، برخی اهداف روزنامه را چنین بیان کرد:

- دریافت صحیح رویدادها؛
- کشف روابط منطقی میان رویدادها؛
- استفاده از این رابطه برای نفوذ به عمق مطلب و انتشار واقعیت بر اساس معیارهایی در چهارچوب اعتقادی.
- محور مباحث روزنامه، مسائل جهان اسلام، حمایت از مستضعفان جهان و توجه به نیازمندان جهان اسلام بود.

از آغاز فعالیت روزنامه، در صفحه سیاسی، پانوشتهایی به صورت مسلسل چاپ شد که نخستین آن «گام به گام با انقلاب» بود که در آن گزارش حرکت انقلابی مردم درج شده است. مسؤولان روزنامه سه ویژگی برای عملکرد روزنامه برشمرده‌اند: «سرعت عمل در تهیه اخبار، صداقت در تهیه گزارش‌ها و رعایت موضع‌گیری درست در اخبار».

پس از تعطیل حزب، روزنامه جمهوری اسلامی به طور مستقل و بدون تغییر در مشی خود، با سردبیری مسیح مهاجری به فعالیت ادامه داد. وی از اواسط ۱۳۵۹، پس از آنکه موسوی وزیر خارجه شد، مسئولیت روزنامه را بر عهده داشت. حزب، نشریه‌ای دانش‌آموزی به نام «عروۃ‌الوثقی» نیز منتشر می‌کرد.

بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی :



حزب جمهوری اسلامی، مهم‌ترین شکل ایجاد شده توسط حاکمیت و روحانیت در برابر دیگر شکل‌های سیاسی مانند نهضت آزادی ایران، حزب توده و گروه‌های چپ‌گرا یا ملی‌گرا در دهه نخست جمهوری اسلامی بود.

حادثه انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰، منجر به کشته شدن تعداد زیادی از اعضای اصلی این حزب شد. دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، محمد بهشتی بود که در این حادثه به همراه ده‌ها تن از اعضای این حزب کشته شد.

سپس محمد جواد باهنر جایگزین وی گشت، اما در هشت شهریور همان سال، او نیز در مقام نخست‌وزیر به همراه محمد علی رجایی، رئیس جمهوری در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری جان باخت. از آن هنگام تا زمان تعطیلی حزب، سید علی خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی، دبیرکلی این حزب را به عهده داشت.

در سال ۱۳۶۳ با تأیید اعضای شورای مرکزی عبدالله جاسبی به‌عنوان قائم‌مقام دبیرکل شروع به فعالیت کرد. با توجه به حضور رهبران حزب در دولت عملاً اداره امور اداری و اجرایی حزب توسط جاسبی صورت می‌پذیرفت.



آیت الله دکتر عیسی زکریا دیوبندی کشور، دکترو عباس پور و زبیر اورمهندس
علائقوی زبیر و اصفندی زبیر پسند و فکرا اور و دکتر قاضی عیسی مہمان تسمیہ

هناك اعلانات
میں میٹر
۳۱۰۲۱

روزنامه اطلاعات ۸ تیر ۱۳۶۰

جایگاه: سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران،

سرچشمه تهران

تاریخ: ۷ تیر ۱۳۶۰ ساعت ۲۰:۳۰

گونه حمله: بمب گذاری

سلاح: ۲ بمب

کشته ها: ۷۲ تا ۷۴ نفر

زخمی: ۲۶ نفر

مرتکب: سازمان مجاهدین خلق (محمدرضا کلاهی)

شرح ماجرای انفجار بمب :

ساعت ۳۰ : ۲۰ روز یکشنبه ۷ تیر ۱۳۶۰، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هیأت دولت و ... به تدریج به سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران واقع در سرچشمه ی تهران وارد شدند. نوای ملکوتی قرآن کریم در فضای سالن طنین انداخته بود و صالحان را بشارت تحقق وعده ی الهی می داد. پس از پایان قرائت قرآن کریم و اعلام برنامه، آیت الله بهشتی آغاز سخن نمود. بحث درباره ی تورم بود، اما عده ای از اعضا خواسته

بودند که راجع به انتخابات ریاست جمهوری نیز صحبت شود. دکتر بهشتی سخنانش را با این جملات آغاز کرد:

«ما بار دیگر نباید اجازه دهیم، استعمارگران برای ما مهره سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی گیرند، انتخاب شوند.» این کلمات که از لبان حقگوی ایشان بیرون تراوید. ناگهان برقی جهید و نوری خیره کننده و صدایی مهیب برخاست. زمین تکان سختی خورد و دیوارها به شدت لرزید. در کمتر از ثانیه ای از سالن جز تلی از خاک چیزی باقی نماند. بیش از هفتاد تن از بهترین عزیزان انقلاب، زیر خروارها خاک مدفون شدند و روح فرزندان رشید اسلام و معلمان بزرگ شهادت و ایثار در ملکوت اعلی به پرواز درآمد. همگان ذکر خدا بر لب به سوی وعده گاه الهی رهسپار شدند و بدین ترتیب جنایتی که تاریخ بشری شبیه بدان را در صفحات خود ثبت نکرده و به یاد نداشت، به وقوع پیوست .

مدفن تعدادی از کشته شدگان این واقعه در بخشی از قطعه ۲۴ بهشت زهرا قرار دارد که بعداً آرامگاه شهدای هفتم تیر در آن بنا گردید. محل انفجار نیز بعدها تبدیل به مجموعه فرهنگی شهدای سرچشمه و سازمان سبک زندگی طیب شد.

سعید شاهشوندی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان مجاهدین می گوید که این انفجار توسط سازمان مجاهدین خلق طراحی و اجرا شده است و او و گروه

دیگری که در جریان انجام این عملیات قرار داشته‌اند در آن شب بی‌سیم سپاه را شنود می‌کردند تا از میزان موفقیت عملیات مطلع شوند. اجرای این عملیات را محمدرضا کلاهی به عهده داشت که خود از نیروهای خدماتی حزب به‌شمار می‌آمد. او پس از انفجار توانست فرار کند و بعد از آن راهی فرانسه شد و امروز با اینکه از مجاهدین بریده‌بود ولی به دلیل سابقه‌اش امکان زندگی علنی را نداشت تا سرانجام به احتمال زیاد در یک ترور در سال ۱۳۹۴ کشته شد.

انفجار به گفته یکی از نجات یافتگان :

مرتضی محمدخان که از این انفجار جان به در برده‌است این واقعه را چنین شرح می‌دهد: «بهشتی هم پشت همین میز نشسته بودند و مدت کوتاهی از شروع جلسه نگذشته بود که بمب عمل کرد و دفتر حزب منفجر شد، در ردیف جلوی من محمد منتظری نشسته بود، باغانی و قندی هم در اطراف من بودند. جواد سرافراز، در ردیف پشت من بود... وقتی بمب منفجر شد ما یک زردی‌ای دیدیم و دیوار را من دیدم که زرد شد و انفجار... در آن شرایط همه قرآن می‌خواندند و ناله هم شنیده می‌شد ولی بیشتر همه قرآن می‌خواندند و شهادتین می‌گفتند، صداها به تدریج کمتر می‌شد، و بعد هم از بالا مثل اینکه یک جرثقیل آوردند که این طاق یک‌تکه را بردارند. جرثقیل نتوانست سقف را بلند کند و زنجیرش پاره شد و دوباره این طاق افتاد روی آوار، البته در این

شرایط افراد در لابه‌لای صندلی‌ها قرار گرفته بودند. عبدالکریمی نماینده لنگرود، که در حال قرائت قرآن بود، در همین شرایط شاید با افتادن مجدد طاق، شهید شد. از بعضی دوستان دیگر هم صداهایی می‌آمد، بعداً متوجه شدم که تقریباً سرم روی سینه آقای باغانی بود و این بنده خدا داشت به لقاءالله می‌رفت. صداها، از هزاران نفری که روی پشت‌بام ایستاده بودند شنیده می‌شد، که هیچ کاری هم از دستشان برنمی‌آمد. گویا در فضای روی طاق گرد و خاک بوده، این‌ها با پاشیدن آب، قصد رفع کردن گرد و خاک را داشتند، غافل از اینکه این کار تمام منافذی که برای تنفس ما وجود داشت مسدود می‌کرد. با حدود ۴ ساعت، احساس کردم که مقداری راه تنفس ایجاد شد و دست چپم را از زیر خاک بردم بالا و دست مرا پیدا کردند.»

فاجعه هفتم تیر از نگاه دیگر :

همزمان با تصویب طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر از سوی مجلس شورای اسلامی، سازمان مجاهدین خلق یک بار دیگر با حمایت از وی، طی اعلامیه‌ای تهدید آمیز، نمایندگان را از شرکت در جلسه بررسی عدم صلاحیت رئیس جمهور برحذر داشت. در این اطلاعیه آمده بود: «... سازمان مجاهدین خلق ایران به تمامی نمایندگان که در مجلس حضور می‌یابند، نسبت به کلیه عواقب گسترده عزل رئیس جمهور در فضای هیستریک ارتجاعی حاکم، زنه‌ار

می دهد. از این رو با یاد آوری مجالس و ادوار قانون گذاری که در تاریخ معاصر ایران به استقرار دیکتاتوری منجر شده است، ما به فرد فرد نمایندگان حاضر و به ویژه آنها که نسبت به سرنوشت مردم ایران احساس مسئولیت می کنند، تذکر می دهیم که خود را شایسته لعن و نفرین ابدی ملت ایران نساخته و مرعوب صحنه های ساختگی چماق داران در برابر مجلس نشوند.»

با وجود این، روز سه شنبه ۱۳۶۰/۳/۳۰ طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس شورای اسلامی بررسی گردید و با ۱۷۷ رای موافق، ۱۲ رای ممتنع و یک رای مخالف تصویب شد و روز اول تیرماه، حضرت امام خمینی حکم عزل بنی صدر را از مقام ریاست جمهوری صادر کرد.

سازمان مجاهدین خلق پس از این وقایع، در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اعلام کرد که فعالیت های این سازمان وارد فاز نظامی شده است و اعضای این گروه که مسلح به انواع اسلحه های سرد و گرم بودند به خیابان ها ریخته و به قتل و جرح مردم و پاسداران کمیته و نیروهای انتظامی و تخریب اموال عمومی پرداختند. ترورهای کور یکی دیگر از استراتژی های سازمان در این زمان بود. موج این ترورها به قدری گسترده بود که از مردم عادی در کوچه و خیابان تا مسئولین مملکتی را در بر گرفت. در ششم تیر ماه سال ۱۳۶۰ جواد قدیری یکی از عوامل سازمان منافقین در مسجد اباذر تهران با بمب گذاری به حضرت آیت الله خامنه ای سوء قصد نمود که البته این ترور نافرجام ماند. روز بعد یعنی هفتم تیرماه، سازمان توسط عامل نفوذی خود محمد رضا کلاهی در حزب جمهوری اسلامی،

دفتر مرکزی حزب واقع در سرچشمه تهران را منفجر کردند که به شهادت آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از پیروان خط امام منجر شد.

علل فاجعه هفتم تیر :

عامل اصلی وقوع فاجعه هفتم تیر، استکبار جهانی به سرکردگی امریکا بود. در واقع آنها وقتی نتوانستند از پیروزی انقلاب اسلامی جلوگیری کنند، به توطئه علیه جمهوری اسلامی روی آوردند. البته طرح های آنها از جمله حمله نظامی و شکست در صحرای طبس، کودتای نوژه، حمله نظامی صدام حسین و ... با شکست مواجه شد. در داخل کشور با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، پایه های اصلی نظام مستحکم و مجلس شورای اسلامی به دست نیروهای اصیل انقلابی و متدین افتاد. ارتش و سپاه قدرت یافتند و حزب جمهوری اسلامی نیز صحنه سیاسی کشور حضور فعالی داشت. در چنین شرایطی که گروهک های داخلی مطرود مردم و مسئولین شده و از بعد خارجی نیز نظام اسلامی منسجم و مقتدر شده بود، همه نگاه ها و بغض و کینه ها متوجه حزب جمهوری اسلامی و دبیر کل آن آیت الله بهشتی شد. بنابراین اجرای برنامه ای برای حذف ایشان و دیگر اعضای حزب که اکثراً از مجلسیان و سایر قوا بودند، در دستور کار معاندین نظام اسلامی قرار گرفت. البته انفجار دفتر حزب جمهوری معلول عوامل چندی بود که از دیگر عوامل این فاجعه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری
- ۲- حرکت مسلحانه منافقین
- ۳- رخنه و نفوذ منافقین در نهادهای احزاب و ارگانهای اسلامی و انقلابی
- ۴- کوتاهی در حفاظت از مسئولین و شخصیتهای نظام
- ۵- تاثیر تبلیغات سوء و سانسور فکری بر روی اعضاء و هواداران گروهکهای محارب
- ۶- قاطعیت، صراحت و سازش ناپذیری مسئولین و شخصیتهای خط امامی
- ۷- پیروزیهای ایران در جنگ تحمیلی
- ۸- موفقیتهای خط امام در عرصه سیاسی کشور

هفتم تیرماه یادآور واقعه ای تلخ، علیه نظام اجتماعی و سیاسی ایران :

انفجاری که در غروب هفتم تیرماه ۱۳۶۰ منطقه مرکزی تهران معروف به "سرچشمه" را لرزاند، به مثابه یک زنگ خطر بود، اما گویا وجدان بیدار و گوش شنوایی آن روزها در جهان نبود که به قضاوت درباره این اقدام تروریستی بپردازد.

هفتم تیرماه یادآور واقعه ای تلخ، از یک اقدام تروریستی علیه نظام اجتماعی و سیاسی ایران است، حادثه ای تکان دهنده، که برآثر آن، رییس

وقت دیوان عالی کشور و ۷۲ تن از نمایندگان مردم، چهره های شاخص و مدیران کشور به شهادت رسیدند.

نام های کشته شدگان بمب گذاری :

در این بمب گذاری ۷۳ تن دربردارنده ۲۷ نماینده مجلس، ۴ وزیر و ۱۲ معاون وزیر کشته شدند.

۱. سید محمد حسینی بهشتی - رئیس دیوان عالی کشور
۲. رحمان استکی - نماینده شهرکرد در مجلس
۳. سید محمدباقر حسینی لواسانی - نماینده تهران در مجلس
۴. سید رضا پاک نژاد - نماینده یزد در مجلس
۵. علیرضا چراغزاده دزفولی - نماینده رامهرمز در مجلس
۶. غلامحسین حقانی - نماینده بندرعباس در مجلس
۷. محمدعلی حیدری - نماینده نهاوند در مجلس
۸. سید محمدتقی حسینی طباطبائی - نماینده زابل در مجلس
۹. عباس حیدری - نماینده بوشهر در مجلس
۱۰. سیدشمس الدین حسینی نائینی - نماینده نائین در مجلس
۱۱. سید محمد کاظم دانش - نماینده شوش و اندیمشک در مجلس
۱۲. علی اکبر دهقان - نماینده تربت جام در مجلس

۱۳. عبدالحمید دیالمه - نماینده مشهد در مجلس
۱۴. غلامرضا دانش آشتیانی - نماینده تفرش و آشتیان در مجلس
۱۵. سید فخر الدین رحیمی - نماینده ملاوی لرستان در مجلس
۱۶. جواد شرافت - نماینده شوشتر در مجلس
۱۷. میربهزاد شهریاری - نماینده رودباران در مجلس
۱۸. محمدحسین صادقی - نماینده دورود و ازنا در مجلس
۱۹. قاسم صادقی - نماینده مشهد در مجلس
۲۰. سید نورالله طباطبایی نژاد - نماینده اردستان در مجلس
۲۱. حسن طیبی - نماینده اسفراین در مجلس
۲۲. سیف‌الله عبدالکریمی - نماینده لنگرود در مجلس
۲۳. عبدالوهاب قاسمی - نماینده ساری در مجلس
۲۴. عمادالدین کریمی بیژنی‌نژاد - نماینده نوشهر در مجلس
۲۵. محمد منتظری - نماینده نجف آباد در مجلس
۲۶. عباسعلی ناطق نوری - نماینده نور در مجلس
۲۷. مهدی نصیری لاری - نماینده لارستان در مجلس
۲۸. علی هاشمی سنجانی - نماینده اراک در مجلس
۲۹. حسن عباسپور - وزیر نیرو
۳۰. محمدعلی فیاض‌بخش - وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی کشور
۳۱. محمود قندی - وزیر پست و تلگراف و تلفن

۳۲. موسی کلانتری - وزیر راه و ترابری
۳۳. جواد اسدالله زاده - معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی
۳۴. عباس ارشاد - معاون دفتر آموزش سازمان بهزیستی
۳۵. مهدی امین زاده - معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی
۳۶. محمدصادق اسلامی - معاون پارلمانی و هماهنگی وزارت بازرگانی
۳۷. محمود تفویضی زواره - معاون وزارت راه و ترابری
۳۸. هاشم جعفری معبری - معاون امور مالی وزارت بهداشت
۳۹. ایرج شهواری - معاون وزارت آموزش و پرورش
۴۰. عباس شاهوی - معاون وزارت بازرگانی
۴۱. حسن عضدی - معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی
۴۲. علی اکبر فلاح شورشانی - معاون اداری و مالی وزارت آموزش و پرورش
۴۳. حبیب‌الله مهمانچی - معاون امور پارلمانی و هماهنگی وزارت کار
۴۴. غلامعلی معتمدی - معاون رفاه تعاون وزارت کار
۴۵. سید کاظم موسوی - معاون وزارت آموزش و پرورش
۴۶. حسن اجاره‌دار - سردبیر نشریه عروة الوثقی
۴۷. عباس ابراهیمیان - عضو حزب جمهوری اسلامی
۴۸. علی اکبر اژه‌ای - عضو دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی
۴۹. علی اصغر آقازمانی - عضو حزب جمهوری اسلامی
۵۰. محمود بالاگر - عضو حزب جمهوری اسلامی

۵۱. حسن بخشایش - عضو حزب جمهوری اسلامی
۵۲. محمد پور ولی - عضو حزب جمهوری اسلامی
۵۳. رضا ترابی - عضو حزب جمهوری اسلامی
۵۴. مهدی حاجیان مقدم - مسئول آموزش واحد مهندسی حزب جمهوری اسلامی
۵۵. محمد خوش زبان - عضو حزب جمهوری اسلامی
۵۶. علی درخشان - عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
۵۷. جواد سرافراز - عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
۵۸. حسین سعادت - مسئول آموزش شهرستان‌های حزب جمهوری اسلامی
۵۹. حبیب‌الله مهدی‌زاده طالعی - عضو حزب جمهوری اسلامی
۶۰. سید محمد موسوی فر - عضو حزب جمهوری اسلامی
۶۱. محسن مولائی - عضو حزب جمهوری اسلامی
۶۲. ...

مشکلات حزب :



حزب جمهوری اسلامی با همه گسترش و قدرت و موفقیتی که داشت با مشکلات و موانع فراوانی روبه‌رو بود.

نفس تأسیس حزب، عملاً به این معنا بود که از میان

فعالان سیاسی و دست‌اندرکاران انقلاب، عده‌ای، که همان رهبران و مدیران ارشد حزب بودند، بر عده‌ای دیگر اولویت و ارجحیت یافته‌اند و این امر به خودی خود موجب نارضایی و گله‌مندی و ابراز مخالفت می‌شد. طیف متنوع مخالفان انقلاب نیز همه انتقادات و فشارها و تهدیدهای خود را به سوی حزب متوجه کرده بودند. همه کسانی که با شخص امام خمینی و مبانی او مخالف بودند و از ترس مردم جرأت علنی کردن این مخالفت را نداشتند حملات خود را متوجه حزب و رهبران آن کرده بودند.

سازمان مجاهدین خلق (منافقان) و ابوالحسن بنی‌صدر و هواداران گوناگون او و نیز فعالان حزب خلق مسلمان همواره حزب را با عناوینی از قبیل انحصارگرایی و قدرت‌طلبی متهم می‌ساختند. این مخالفت‌ها از شایعه‌پراکنی علیه رهبران حزب و ترور شخصیت آن‌ها به ترور شخص آن‌ها کشیده شد. هاشمی رفسنجانی در بهار ۱۳۵۸ مورد سوء قصد اعضای گروه فرقان قرار گرفت؛ سیدعلی خامنه‌ای بر اثر انفجار بمبی که اعضای سازمان مجاهدین خلق آن را در محل سخنرانی وی کار گذاشته شده بود (۶ تیر ۱۳۶۰) از ناحیه دست

به شدت مجروح شد. در بمب گذاری ۷ تیر ۱۳۶۰، سیدمحمد بهشتی و عده‌ای از اعضای شورای مرکزی و مدیران و هواداران درجه اول حزب (حدود ۸۰ نفر)، در ساختمان مرکزی حزب به شهادت رسیدند. اندکی بعد در ۸ شهریور همان سال محمد جواد باهنر (دومین دبیرکل حزب و نخست وزیر وقت) همراه با محمدعلی رجائی (رئیس جمهور وقت) بر اثر انفجار بمب در دفتر کارشان به شهادت رسیدند. مسببان این دو انفجار هم منافقان بودند. دو نفر از اعضای شورای مرکزی نیز در حملات تروریستی جان خود را از دست دادند.

در کنار قوّت‌ها و توفیقات حزب، ضعف‌هایی نیز در فرایند فعالیت‌های حزب وجود داشت و حزب با اشکالات و مشکلاتی از بیرون و درون به چالش کشیده می‌شد. از جمله ضعف‌ها:

- رشد سریع کمی حزب در سراسر کشور و غلبه این رشد بر ظرفیت‌های آموزشی و مدیریتی آن بود؛
- ضعف دیگر ناشی از اشتغال رهبران حزب به اداره امور مهم کشور بود، که وقت کافی برای حضور در حزب و سازماندهی آن نداشتند؛
- شهادت عناصر اصلی و مسئولان بالای حزب نیز ضربه سنگینی بر این حزب تازه تأسیس بود

پس از تشکیل دولت بر اساس قانون اساسی، مغایرت دیدگاه‌های مختلف در اداره امور کشور، به‌ویژه در مسائل و مباحث اقتصادی، به صورتی جدّی آشکار شد. این دیدگاه‌های متعارض اقتصادی در درون شورای مرکزی حزب نیز به

ظهور رسید؛ از جمله بحث بر سر اموری نظیر گسترش یا عدم گسترش مالکیت‌های دولتی و تمرکزگرایی در اقتصاد دولتی. بعضی افراد و جریان‌های سیاسی هم از بیرون حزب در ایجاد شکاف و اختلاف بی‌تأثیر نبودند.

دلایل تعطیلی :



با عمیق شدن اختلافات در درون شورای مرکزی و اختلافاتی که در بعضی شهرها میان مسؤولان حزب و سایر مقامات اجرایی پدید آمد و اخبار آن نیز به اطلاع امام

خمینی رسید، سیدعلی خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت و سومین دبیرکل حزب) و هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس وقت) در نامه‌ای به امام خمینی، در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۶، ضمن اشاره به موجهات و موجبات تأسیس حزب در آغاز پیروزی انقلاب و نقش حزب در تحکیم و تثبیت پایه‌های نظام و رفع توطئه‌های دشمنان، ادامه حیات حزب را بهانه‌ای برای دو دستگی و افتراق نیروهای انقلاب دانستند و رأی شورای مرکزی را مبنی بر تعطیل حزب و توقف کلی فعالیت‌های آن به اطلاع امام رساندند که با آن موافقت شد.

تعطیلی حزب جمهوری اسلامی :



در ۱۱ خرداد سال ۱۳۶۶ با درخواست دو نفر از رهبران اصلی حزب جمهوری اسلامی، اکبر هاشمی رفسنجانی و سید علی خامنه ای به طرفیت از شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و تأیید روح الله خمینی، به سبب اختلاف‌های داخل حزبی در خرداد ماه ۱۳۶۶ تعطیل شد. گفته می‌شود عامل اصلی انشقاق در این حزب، تضاد آراء و اندیشه‌های اعضای حزب پیرامون نوع نگرش اقتصادی در اداره جامعه بوده‌است.

متن نامه اکبر هاشمی رفسنجانی و سید علی خامنه‌ای به رهبر انقلاب در خصوص تعطیلی حزب :

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر

انقلاب

حضرت امام خمینی - مدظله‌العالی

همان‌طور که آن رهبر عزیز اطلاع دارند،

تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» از طرف هیئت

مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی

انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه

مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی‌های انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای اداره کشور و خنثی کردن توطئه گروهک‌ها و عوامل دشمن خارجی و ضدانقلاب داخلی به شدت احساس می‌شد. این حزب در طول سال‌های گذشته در حد توان خود به منظور تثبیت نظام جمهوری اسلامی و انجام تکالیف بزرگی که بر دوش خود حس می‌کرد، از هیچ کوششی فروگذار نکرد؛ و در کوران توطئه‌های چپ و راست با فداکاری و تقدیم شهدایی که بعضی از آنان چهره‌های برجسته و فراموش نشدنی انقلابند، از جمله شهدای هفتم تیر، نقاب از روی نفاق برانداخت و مظلومیت و حقانیت خط امام را به نمایش گذارد. در طول جنگ تحمیلی، حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور به وظیفه اسلامی خود برای بسیج مردم و شرکت فعال در جبهه‌های نور عمل کرد، و جمعی از کادرها و اعضای آن در این جهاد مقدس به افتخار شهادت نایل آمدند. تعبد افراد این حزب به اسلام و اعتقاد راسخ آنان به ولایت فقیه، که خود عامل مهمی در کینه‌توزی ضدانقلاب بود، ایجاب می‌کرد که در مراحل و مقاطع مختلف انقلاب، با کسب

رهنمودهایی از آن مقام معظم، حرکت حزب را
تنظیم و سیاست‌های آن را پی‌ریزی نمایند.
اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری
اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک
سیاسی آحاد ملت انقلاب را از جهات عدیده
آسیب‌ناپذیر ساخته و روشن‌بینی و توکل و قوت
اراده آن رهبر عالیقدر و فداکاری و آمادگی مردم
حزب‌الله توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و استکبار
جهانی را بی‌اثر و کم‌خطر نموده‌است؛ لذا احساس
می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید
آغاز کار را نداشته، و بلعکس، ممکن است تحزب
در شرایط کنونی بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و
دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام
ملت گردد، و حتی نیروها را صرف مقابله با
یکدیگر و خنثی‌سازی یکدیگر کند؛ لذا، همان‌طور
که قبلاً نیز کراراً عرض شد، شورای مرکزی پس از
بحث و بررسی مبسوط و مستوفی با اکثریت قاطع
به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در
آن است که «حزب جمهوری اسلامی» تعطیل و
فعالیت‌های آن به کلی متوقف گردد.
مراتب برای استحضار و کسب رهنمود عالی
معروض می‌گردد.

والامر الیکم، و ادام الله بقائکم الشریف
سیدعلی خامنه‌ای - اکبر هاشمی رفسنجانی

پاسخ بنیانگذار جمهوری اسلامی به نامه مشترک رهبران حزب جمهوری اسلامی :

بسمه تعالی

جنابان حجج الاسلام آقای خامنه ای و آقای
هاشمی - دام توفیقهما.

موافقت می‌شود. لازم است تذکر دهم که
حضرات آقایان مؤسسين محترم حزب، مورد
علاقه اینجانب می‌باشند. امیدوارم همگی در این
موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد
عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً
تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو
حزب باشد یا نه بر خلاف اسلام و تفرقه‌اندازی در
این موقع از بزرگ‌ترین گناهان است. والسلام
علیکما و رحمه الله.

۱۱ خرداد ۶۶

منابع:



- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد (Wikipedia.org)
- ویکی شیعه (wikishia.net)
- سایت دیدبان (didban.ir)
- دانشنامه جهان اسلام (rch.ac.ir)
- مشرق نیوز
- خبرگزاری صراط
- سایت تاریخ ایرانی (tarikhirani.ir)
- پایگاه خبری، تحلیلی مطالعات تروریسم "هابیلیان" (habilian.ir)